



10.48315/QGL.2025.492994.1163

فصلنامه «دولت و حقوق»، سال ششم، شماره اول (پیاپی ۱۹)، بهار ۱۴۰۴، صص. ۱۷۹-۲۰۲

واکاوی اصول فقهی حاکم بر رسیدگی به جرایم منافعی عفت در بستر فضای مجازی

عدنان عمرانی فر*

مصطفی شیبانی**

نوع مقاله: علمی - پژوهشی

چکیده

فراگیری فضای مجازی در دنیای امروز و تأثیر آن بر افزایش جرایم منافعی عفت، یکی از چالش‌های جدی سیاست کیفری به شمار می‌آید. گسترش فساد و فحشا در این بستر می‌تواند تهدیدات قابل توجهی ایجاد کند و چنانچه متولیان سیاست کیفری نسبت به آن بی‌توجه بمانند، علاوه بر فراهم شدن زمینه‌های رشد این جرایم در فضای مجازی، ناکامی در رسیدگی به آن‌ها نیز حتمی خواهد بود. از این رو، توجه به اصول فقهی در رسیدگی به جرایم منافعی عفت در فضای مجازی ضروری است. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی، اصول حاکم بر رسیدگی به جرایم منافعی عفت در فضای مجازی را بررسی می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد که مهم‌ترین اصول در این حوزه عبارت‌اند از: اصل حفظ عفت عمومی، اصل ممنوعیت تجسس، اصل بزه‌پوشی و اصل ممنوعیت اشاعه فحشا. البته این اصول در شرایط خاصی مانند وجود شاکی خصوصی، ترویج فساد و فحشا یا سازمان‌یافتگی جرایم می‌توانند با استثناهایی همراه شوند. توجه به این اصول فقهی ضمن مقابله با جرایم، از گسترش فساد در فضای مجازی جلوگیری کرده و مسیر کارآمدتری برای رسیدگی فراهم می‌آورد.

واژگان کلیدی

اصول فقهی، جرایم منافعی عفت، سیاست کیفری، فساد و فحشاء، فضای مجازی.

* دانش‌آموخته دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

omrani.far@ut.ac.ir

** دانشجوی دکتری تخصصی حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه مپید، یزد، ایران.

msheibani89@gmail.com

مقدمه

در دین مبین اسلام و به تبع آن در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، نحوه برخورد با جرایم منافی عفت دارای ویژگی‌ها و ماهیتی خاص است که آن را از سایر جرایم متمایز می‌کند. این دسته از جرایم که شامل اعمالی نظیر زنا، لواط، فحشا و سایر رفتارهای جنسی ناپسند می‌شود، نه تنها از منظر شرعی و اخلاقی اهمیت ویژه‌ای دارند، بلکه در نظام حقوقی ایران نیز به‌طور خاص مورد توجه و نظارت قرار گرفته‌اند.

یکی از اصول کلیدی در سیاست جنایی اسلام، تأکید بر عدم افشای این گونه جرایم به‌منظور جلوگیری از اشاعه فساد و فحشا در جامعه است. به بیان دیگر، اسلام اصولاً با انتشار اخبار و جزئیات مربوط به جرایم منافی عفت مخالف است و توصیه می‌کند به جای آشکارسازی آن‌ها، تدابیری برای پیشگیری از وقوع چنین رفتارهایی اتخاذ شود و در صورت بروز نیز رسیدگی به‌طور خصوصی و غیرعلنی صورت گیرد (عمرانی‌فر، شیداییان، حاجی ده‌آبادی و عالی‌پور، ۱۴۰۰: ۱۹۰).

این رویکرد در قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری ایران نیز بازتاب یافته است. به گونه‌ای که در نظام حقوقی ایران، به‌ویژه در قانون مجازات اسلامی، مقررات ویژه‌ای برای رسیدگی به جرایم منافی عفت پیش‌بینی شده است. این مقررات به‌ویژه در مراحل کشف و رسیدگی شکلی، تفاوت‌های آشکاری با سایر جرایم دارند. از این رو، رسیدگی به این جرایم مستلزم توجه ویژه به اصول فقهی مرتبط است. بررسی آیات و روایات اسلامی در خصوص نحوه مواجهه با جرایم منافی عفت، به‌ویژه در متون فقهی، می‌تواند اصول و قواعدی را برای این نوع رسیدگی‌ها استخراج کند؛ اصولی که نه تنها در جامعه واقعی کاربرد دارند، بلکه می‌توانند مبنای عمل در فضای مجازی نیز قرار گیرند.

در دنیای امروز، با گسترش فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی و ظهور فضای مجازی، نوع و شیوه ارتکاب بسیاری از جرایم دگرگون شده است. یکی از مسائل مهم در این زمینه، ارتکاب جرایم منافی عفت در فضای مجازی است. هرچند ممکن است در نگاه نخست چنین به نظر برسد که اصول فقهی و قواعد شرعی ناظر بر این جرایم صرفاً به فضای حقیقی اختصاص دارند، اما بررسی دقیق آیات و روایات نشان می‌دهد که بسیاری از اصول فقهی دارای عمومیت و اطلاق‌اند و قابلیت اجرا در فضای مجازی را نیز دارند.

به بیان دیگر، با توجه به اصل پویایی فقه و قابلیت انطباق آن با شرایط متغیر زمان و مکان، می‌توان این اصول را در فضای مجازی نیز جاری دانست. تحقق این امر مستلزم بازنگری در فهم اصول فقهی و تطبیق آن‌ها با مقتضیات نوین جامعه است (عمرانی‌فر و زندی، ۱۳۹۶: ۴۱).

پژوهش‌های موجود در زمینه جرایم منافی عفت در فضای مجازی در حقوق ایران، اندک و

پراکنده‌اند و تاکنون بررسی جامع و مستقلی در این حوزه صورت نگرفته است. در واقع، بیشتر پژوهش‌های انجام‌شده بر اصول فقهی در فضای حقیقی متمرکز بوده و کمتر به بُعد مجازی و چالش‌های نوپدید آن پرداخته‌اند.

برای نمونه، در مقاله‌ای با عنوان تأثیر فضای مجازی در ارتکاب اعمال منافی عفت (تدین و ملک‌شعار، ۱۳۹۸)، میزان تأثیرگذاری فضای مجازی در گرایش افراد به ارتکاب این اعمال بررسی شده است. همچنین، مقاله دیگری با عنوان جرم‌انگاری جرایم علیه اخلاق و عفت عمومی در فضای سایبری (مردانی، باوی و موالی‌زاده، ۱۴۰۲) با تمرکز بر جرایمی نظیر هرزه‌نگاری و قوادی، روش‌های پیشگیری اجتماعی و وضعی در مقابله با جرایم سایبری را تحلیل کرده است. با این حال، هیچ‌یک از این پژوهش‌ها به‌طور مشخص به بحث درباره اصول فقهی حاکم بر جرم‌انگاری در بستر فضای مجازی نپرداخته‌اند.

این خلأ پژوهشی، ضرورت بررسی علمی موضوع را آشکار می‌سازد. از این رو، پژوهش حاضر درصدد است به این پرسش اساسی پاسخ دهد که: اصول فقهی حاکم بر رسیدگی به جرایم منافی عفت در فضای مجازی کدام‌اند و چه استثناهایی بر آن‌ها مترتب است؟

برای پاسخ به این پرسش‌ها، نخست باید مفهوم «جرایم منافی عفت» در فضای مجازی و تفاوت‌های آن با جرایم مشابه در فضای حقیقی تحلیل شود. سپس اصول فقهی مرتبط با رسیدگی به این دسته از جرایم استخراج و در نهایت میزان تأثیرگذاری این اصول در فرآیند رسیدگی بررسی خواهد شد.

بر این اساس، پژوهش حاضر نه تنها در پی تبیین اصول فقهی حاکم بر رسیدگی به جرایم منافی عفت و تحلیل آن‌ها در بستر فضای مجازی است، بلکه به بررسی استثناهای مترتب بر این اصول نیز خواهد پرداخت.

۱. مفهوم منافی عفت

در لغت، واژه «عفت» واژه‌ای عربی است که از ریشه «عفف» مشتق شده و در فرهنگ‌های لغت فارسی به معنای «بازایستادن از حرام، پرهیزکاری و پاکدامنی» آمده است (رضایی، ۱۳۸: ۳۵۳). در قرآن کریم به‌طور صریح واژه «عفت» به کار نرفته است، اما مصدرهای این واژه مانند «تعفف»^۱ و «استعفاف»^۲ ذکر شده که به معنای تلاش برای حفظ پاکدامنی، پرهیزکاری، عفت‌نفس و دوری از

۱. «لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أَحْصَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ يَحْسِبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ بِسَبِيحِهِمْ لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِلْحَافًا وَمَا تَتَّقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ» (بقره: ۲۷۳).

۲. «وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ الَّتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (النور: ۶۰).

ارتکاب اعمال زشت و ناپسند به کار می‌روند (مصطفوی تبریزی، ۱۳۶۸: ۱۸۰).

در فقه نیز تعریف واژه «عفت» نزدیک به معنای لغوی آن است. در معنای عام، به خویشنداری در برابر شهوت، تمایلات افراطی و نفسانی و پاکدامنی اطلاق می‌شود و در معنای خاص، به خویشنداری در برابر تمایلات جنسی بی‌بندوبار اشاره دارد (نهج‌البلاغه، حدیث ۱۹۳۷؛ راغب اصفهانی، ۱۳۷۷: ۳۳۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۱: ۲۸۳).

در ترمینولوژی حقوق، اصطلاح «منافی عفت» چنین تعریف شده است: «امور جنسی شرم‌آور در عرف یک جامعه که به قصد مباشرت یا آغاز آن صورت نگیرد؛ و اگر تحقق یابد، هتک ناموس نامیده می‌شود. پس ملاک، قصد مجرم است. با این حال، در معنای عام، شامل همه صور یادشده است. از این رو، تجارت یا توزیع تصاویر خلاف عفت و اخلاق عمومی، تشویق به فساد اخلاقی و شهوترانی و بهره‌برداری از فحشا، همگی مصادیق منافی عفت خواهند بود» (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۴: ۶۹۰).

در میان حقوقدانان، دیدگاه‌ها و تعاریف متفاوتی درباره جرایم منافی عفت ارائه شده است. گروهی ماهیت این جرایم را به روابط جنسی نامشروع و خارج از چارچوب عرف و شرع میان زن و مرد محدود کرده و آن را مقید به اختلاف جنسیتی دانسته‌اند (ولدی، ۱۳۸۰: ۵۲؛ شامیانی، ۱۳۷۷: ۵۴۴؛ نظریه مشورتی اداره حقوقی، شماره ۷/۳۶۲۴ مورخ ۱۳۸۴/۰۶/۰۶).

در مقابل، برخی دیگر از حقوقدانان، اعمال منافی عفت را فراتر از روابط میان زن و مرد دانسته و ارتکاب هرگونه رفتار نامشروع جنسی، همچنین اقداماتی که معنویات و عفت عمومی جامعه را خدشه دار می‌سازد، داخل در این مفهوم تلقی کرده‌اند (گودرزی و کیانی، ۱۳۹۸: ۳۸۵؛ آقایی، ۱۳۹۹: ۱۵؛ خالقی، ۱۳۹۹: ۴۳۵؛ گلدوزیان، ۱۳۹۴: ۵۸۲؛ محمدی جورکویه، ۱۳۸۹: ۸۹).

با توجه به تعاریف قانونی موجود در حقوق کیفری ایران، از جمله تبصره ماده ۳۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری و ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲، کتاب تعزیرات) که به دلیل عمومیت و تمثیلی بودن مصادیق مذکور گستره بیشتری را در بر می‌گیرند، به نظر می‌رسد دیدگاه گروه دوم صائب‌تر باشد.

جرایم منافی عفت در فضای مجازی مجازی مجموعه‌ای از رفتارها و اعمال ناپسند را شامل می‌شوند که تهدیدی جدی برای اخلاق عمومی و امنیت روانی افراد به شمار می‌روند. این جرایم مانند انتشار محتوای پورنوگرافیک، آزارهای جنسی آنلاین، تجاوز به حریم خصوصی، تشویق به فحشا و فساد جنسی و ترویج روابط غیرشرعی، نه تنها ارزش‌های اجتماعی و دینی را تضعیف می‌کنند، بلکه آسیب‌های روانی و اجتماعی گسترده‌ای را برای قربانیان، به‌ویژه زنان، کودکان و نوجوانان، به همراه دارند. ویژگی‌هایی همچون ناشناس بودن مجرمان، گسترش سریع اطلاعات و دسترسی آسان به

محتوای مضر در فضای مجازی، مقابله با این دسته از جرایم را دشوارتر کرده و ضرورت تدوین قوانین کارآمد و اتخاذ تدابیر پیشگیرانه را برجسته می‌سازد (ملک‌شعار و تدین، ۱۳۹۸: ۱۶۲).

به نظر می‌رسد جرایم منافی عفت در فضای مجازی و در دنیای واقعی از حیث بستر وقوع، شیوه ارتکاب و پیامدها تفاوت‌های اساسی دارند. در حالی که جرایم در دنیای واقعی عموماً در تعاملات حضوری و فیزیکی رخ می‌دهند، در فضای مجازی این جرایم از طریق بسترهای آنلاین و با بهره‌گیری از ناشناسی و سهولت دسترسی به محتوای مبتذل ارتکاب می‌یابند. فضای دیجیتال همچنین زمینه گسترش سریع آسیب‌های اجتماعی را فراهم می‌کند و آثار آن می‌تواند بر قربانیان، به‌ویژه در سطح عمومی، گسترده‌تر باشد. افزون بر این، چالش‌های حقوقی به‌ویژه در زمینه تعقیب فراملی این جرایم، مقابله مؤثر با آن‌ها را پیچیده‌تر کرده است.

۲. اصول فقهی حاکم بر رسیدگی

در این پژوهش چهار اصل بنیادین مورد بررسی و تحلیل قرار خواهد گرفت: اصل حفظ عفت عمومی، اصل ممنوعیت تجسس، اصل بزه‌پوشی و اصل ممنوعیت اشاعه فحشا.

۲-۱. اصل حفظ عفت عمومی

یکی از مهم‌ترین و شاید اصلی‌ترین اصول فقهی در تحقیقات مربوط به جرایم منافی عفت، اصل حفظ عفت عمومی است. مبنای این اصل در سیاست‌های سخت‌گیرانه اسلام نسبت به مداخله و علنی‌سازی جرایم جنسی نهفته است.

هدف از چنین سیاست‌هایی، جلوگیری از گسترش فساد و فحشا در جامعه و نیز حفظ قبح این اعمال از منظر اجتماعی، همچنین پیشگیری از تجری مرتکبان و خو گرفتن آنان به ارتکاب این دسته از جرایم از منظر فردی است. افزون بر این، سخت‌گیری شارع مقدس در اثبات جرایم منافی عفت، دادن فرصت دوباره به مرتکبان برای بازگشت به مسیر صحیح، بازنگه داشتن درهای توبه و سرزنش کسانی که نزد دیگران به این جرایم اعتراف می‌کنند، از جمله اهداف مهم این اصل به شمار می‌رود (قیاسی، خسروشاهی، دهقان و محقق داماد، ۱۳۸۵: ۳۶؛ نوبهار، ۱۳۸۹: ۷۹).

روایات متعددی از پیامبر اکرم (ص) به طور مستقیم یا غیرمستقیم درباره حفظ عفت عمومی نقل شده است. در یکی از این روایات آمده است: «لغزش‌های مؤمنان را جستجو نکنید، زیرا هر کس لغزش‌های برادرش را جستجو کند، خداوند لغزش‌های او را پیگیری می‌کند، و هر کس را خداوند لغزش‌هایش را پیگیری کند، رسوایش خواهد ساخت، هر چند در درون خانه‌اش باشد» (کلینی، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۳۵۵؛ عاملی جبعی، ۱۴۰۹ق: ۳۳۱؛ مالکی اشتری، بی‌تا: ۱۱۵).

تفسیر بخش پایانی حدیث این است که اگر کسی بر کشف عیوب و زشتی‌های دیگران اصرار

ورزد، پروردگار نیز پنهان‌ترین لغزش‌های او را آشکار خواهد کرد (جوادی آملی، ۱۳۹۶: ۴۹۵).

پیامبر اکرم (ص) در روایت دیگری با مضمون مشابه فرمودند: «گروهی در مدینه بودند که عیبی نداشتند، اما از عیوب دیگران سخن می‌گفتند. خداوند پس از آزمون، عیبی را در آنان آشکار کرد که تا پایان عمر با همان عیوب شناخته می‌شدند»^۱ (طوسی، ۱۴۱۴ق: ۴۴).

امام علی (ع) نیز در احادیث و سیره عملی خود به موضوع منع تحقیق در جرایم منافی عفت پرداخته‌اند. در روایتی از ایشان آمده است: «اگر از زن آلوده‌دامن بپرسی که چه کسی با تو فسق کرده است و او بگوید: فلانی، باید دو حد بر او جاری شود: یکی برای ارتکاب فحشا و دیگری برای دروغ بستن به مرد مسلمان»^۲ (طوسی، ۱۴۰۷ق: ۱۷۸؛ ابن‌اشعث، بی‌تا: ۱۳۸).

همچنین هنگامی که امام علی (ع) مالک اشتر را به فرمانداری مصر منصوب کردند، در نامه‌ای به او توصیه نمودند که در پوشاندن گناهانی که ذاتاً زشت و قبیح‌اند و بر ملا شدن یا انتشار آن‌ها می‌تواند به امنیت اخلاقی جامعه اسلامی آسیب برساند، کوشا باشد^۳ (سیدرضی، ۱۳۹۱: ۴۰۵). در آن دوره، افرادی در کنار حاکمان می‌کوشیدند بارها عیوب و گناهان پنهانی اشخاص را گزارش دهند. از دیدگاه امیرالمؤمنین (ع)، بازگو کردن این گناهان پنهان، علاوه بر آنکه زمینه اشاعه فحشا در میان مردم را فراهم می‌ساخت، موجب بروز نزاع و اختلاف نیز می‌شد (جمعی از نویسندگان، بی‌تا: ۸۰).

در سیره عملی آن حضرت نیز اصل عدم تحقیق و تفحص در جرایم منافی عفت مشهود است. به گونه‌ای که در صحیح ابوعبیده از امام باقر (ع) نقل شده است: زن و مردی به اتهام زنا نزد حضرت امیرالمؤمنین (ع) آورده شدند. زن ابتدا سوگند یاد کرد که مرد او را به انجام عمل زنا واداشته است. امام (ع) بدون هرگونه پرسش یا تحقیق از او، حد زنا را از وی برداشتند (حرعاملی، ۱۴۰۹ق: ۱۱۰).

چنان‌که از ظاهر احادیث پیش‌گفته برمی‌آید، حکم ممنوعیت تفحص در امور پنهانی و شخصی افراد عمومیت دارد و به دلیل آثار و پیامدهای زیان‌بار آشکار شدن جرایم منافی عفت وضع شده است. در این حکم، هیچ‌گونه محدودیت زمانی یا مکانی و نیز تقییدی به شرایط خاص ذکر نشده است. با توجه به اینکه امروزه فضای مجازی به نوعی به فضای نخست زندگی بسیاری از

۱. «و کان فی المدینة اقوام لا عیوب لهم فتکلموا فی عیوب الناس، فاطهر الله لهم عیوبا لم یزالوا یعرفون بها ان ماتوا»

۲. «إذا سئلت الفاجرة: من فجر بك؟ فقالت: فلان، جلدتها حدین: حداً لفجورها، و حداً لفريقها علی الرجل المسلم»

۳. «ولیکن أبعد رعیتک منک، و أشتوهم عندک اطلبهم لمعائب الناس، فإن فی الناس عیوباً الوالی أحق من سترها، فلا تکتشفن عما غاب عنک منها، فإنما علیک تطهیر مظهر لک، و الله یحکم علی ما غاب عنک. رعیتک. فاستر العورة ما استطعت، یستر الله منک ما تحب ستره من رعیتک»

افراد جامعه بدل شده است، هرگونه اقدام به انتشار یا آشکارسازی عیوب و گناهان دیگران در این فضا، و نیز هرگونه تفحص و تحقیق بی ضابطه از سوی مقامات قضایی یا ضابطان آنان درباره این جرایم، می تواند پیامدهایی به مراتب وخیم تر از فضای حقیقی در پی داشته باشد.

افزون بر روایات و سیره معصومان(ع)، برخی از فقها نیز با تکیه بر اصل صحت اعمال مسلمانان و استخراج احکام از آیات و روایات مرتبط با ممنوعیت تجسس و تحقیق در امور پنهانی، تقریراتی در آثار فقهی خود ارائه کرده اند. برای نمونه، گفته اند اگر زنی باردار شود ولی همسر نداشته باشد، حد زنا بر او جاری نمی شود؛ زیرا احتمال دارد به علت دیگری باردار شده باشد یا نزدیکی با او بر اثر اکراه یا شبهه صورت گرفته باشد. تنها در صورتی که خود او چهار بار به زنا اقرار کند، حد بر وی جاری خواهد شد (موسوی خویی، ۱۳۹۷: ۲۵۹؛ کلینی، ۱۴۱۳ق: ۱۸۵؛ طوسی، ۱۴۰۷ق: ۹). در چنین مواردی، علاوه بر اصل ممنوعیت تفحص در جرایم جنسی، اصول دیگری همچون برائت و درأ نیز مطرح می شوند که مانع اثبات حد و در نتیجه موجب معافیت مرتکب از اجرای آن خواهند شد (محقق داماد، ۱۳۸۹: ۱۷).

ایرادی که ممکن است نسبت به تسری این اصل به فضای مجازی مطرح شود، آن است که شأن جعل این اصل ناظر به جرایمی مانند زنا، لواط یا سایر جرایم فیزیکی جنسی بوده و در زمان صدور آن، سخنی از فضای مجازی در میان نبوده است. همچنین در خصوص مصادیق منافی عفت که قابلیت تحقق در فضای مجازی داشته باشند، نص صریحی وجود ندارد.

در پاسخ به اشکال نخست می توان گفت که تغییر صرفاً در بستر ارتکاب جرم رخ داده است و این تغییر چیزی از قبح و زشتی چنین اعمالی نمی کاهد. افزون بر این، فضای مجازی با ویژگی هایی همچون گستردگی مخاطبان و ناشناسی بیشتر نسبت به فضای حقیقی، می تواند تهدیدی جدی برای امنیت اخلاقی جامعه باشد.

در ارتباط با اشکال دوم نیز باید گفت برخی از جرایم حدی مانند قوادی، که در آن «به هم رساندن» اشخاص برای ارتکاب زنا یا لواط مدنظر است، قابلیت تحقق به صورت غیر حضوری و در بستر فضای مجازی را نیز دارد. همچنین اگر بپذیریم که روابط نامشروع مادون زنا می توانند در شکل غیر فیزیکی نیز تحقق یابند، در این صورت روابط نامشروع در فضای مجازی را می توان مصادیقی از اعمال منافی عفت دانست و محدودیت های مربوط به رسیدگی به این دسته از جرایم را به آن ها تسری داد.

۲-۲. اصل ممنوعیت تجسس

یکی دیگر از مبانی مهم در تحقیقات مربوط به جرایم منافی عفت، اصل ممنوعیت تجسس است. در آموزه های اسلامی و منابع معتبر فقهی، به دفعات توصیه شده که از دخالت در امور شخصی

دیگران پرهیز شود. یکی از نتایج مهم این اصل، شکل‌گیری مفهوم حریم خصوصی است. صیانت از حریم خصوصی در آیات و روایات متعددی به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم مورد تأکید قرار گرفته و بر عدم جواز هتک یا خدشه به حریم شخصی افراد حکم شده است. یکی از دلایل اصلی حرمت نقض حریم خصوصی، وجوب حفظ آبرو و حرمت عرض مسلمانان است. بر این اساس، افرادی که به زندگی شخصی دیگران وارد شده و به تجسس می‌پردازند، مرتکب گناهی بزرگ می‌شوند و اگر در نتیجه آن خطاها و گناهان دیگران را افشا کنند، گناهی به‌مراتب سنگین‌تر مرتکب شده‌اند (صلواتی و شکوری، ۱۳۷۶: ۲۸۴).

هرچه حریم خصوصی افراد در جامعه بیشتر مورد احترام قرار گیرد و از نقض آن جلوگیری شود، امنیت روانی اجتماعی نیز افزایش یافته و در نتیجه، پابندی مردم به حکومت و ارزش‌های حاکم تقویت می‌گردد (سبزواری، ۱۴۱۳ق: ۱۵؛ مدنی کاشانی، ۱۴۱۰ق: ۱۰۸-۱۰۹).

در همین راستا، قانون‌گذار در ماده ۱۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ مقرر کرده است: «انجام هرگونه تعقیب و تحقیق در جرائم منافی عفت ممنوع است و پرسش از هیچ فردی در این خصوص مجاز نیست، مگر در مواردی که جرم در مرئی و منظر عام واقع شده یا دارای شاکی خصوصی یا به‌عنف یا سازمان‌یافته باشد که در این صورت، تعقیب و تحقیق فقط در محدوده شکایت یا اوضاع و احوال مشهود توسط مقام قضائی انجام می‌شود».

این ماده تعادل مهمی میان حفظ حریم خصوصی و ضرورت تحقیق در شرایط استثنایی برقرار کرده است. بدین ترتیب، مقام قضائی تنها در محدوده‌ای مشخص اختیار ورود به چنین جرایمی را دارد. هرچند این قاعده می‌تواند به ارتقای دادرسی و حفظ حقوق افراد کمک کند، اما اجرای آن نیازمند نظارت دقیق و حساسیت ویژه است تا از بروز مشکلات اجتماعی و قانونی جلوگیری شود. مهم‌ترین مبنای حرمت تجسس را می‌توان در آیه ۱۲ سوره مبارکه حجرات یافت^۱. در این آیه سه دستور اخلاقی از سوی خداوند متعال صادر شده است:

- نخست، مؤمنان باید از بدگمانی نسبت به برادران دینی و مسلمانان خود اجتناب کنند؛
- دوم، حرمت تجسس در اسرار و عیوب دیگران به‌طور مطلق بیان شده است؛ دستوری که علاوه بر جنبه اخلاقی، بُعد اجتماعی نیز دارد؛
- سوم، حرمت غیبت مسلمانان و نهی از بازگویی عیوب آنان مورد تأکید قرار گرفته است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۴: ۵۰۵؛ ثقفی تهرانی، ۱۳۹۸، ج ۵: ۴۶-۴۷).

۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا يٰٓأَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ».

با توجه به سیاق آیه و عمومیت آن، حرمت تجسس در امور شخصی دیگران مقید به وضعیت یا شرایط خاصی نیست و می‌توان آن را به فضای مجازی نیز تسری داد. بنابراین، اگر جرم منافی عفتی در فضای مجازی رخ دهد و جنبه شخصی داشته باشد و شاکی خصوصی وجود نداشته باشد، نمی‌توان مستقیماً به تحقیق و ورود به حریم خصوصی افراد اقدام کرد؛ مگر در موارد خاصی که در شرع تصریح شده است.

از دیگر آیات مرتبط با ممنوعیت تجسس و ضرورت صیانت از حریم خصوصی، آیات ۲۷ و ۲۸ سوره مبارکه نور است.^۱ شأن نزول این آیات چنین نقل شده که زنی از انصار نزد پیامبر اکرم (ص) آمد و اظهار داشت که پدر و فرزندش بدون اجازه وارد خانه می‌شوند و ممکن است او در وضعیتی باشد که حتی محارمش نیز نباید او را در آن حالت ببینند. وی برای رفع این معذوریت از پیامبر (ص) کسب تکلیف کرد و در همین زمینه آیات مذکور نازل شد تا رسوم نادرست دوران جاهلیت - که افراد بدون کسب اجازه وارد خانه‌ها می‌شدند و اهل خانه را در تنگنا قرار می‌داد - از میان برود و حریم خصوصی اشخاص پاس داشته شود (محقق، ۱۳۶۱: ۵۶۷؛ طیب، ۱۳۷۸: ۵۱۷).

واژه «تَسْتَأْنِسُوا» در آیه ۲۷ به معنای کسب اجازه همراه با لطف و رضایت قلبی است، نه اجبار و خشونت. بنابراین اجازه گرفتن باید مودبانه و خالی از هرگونه اکراه باشد و شخص پیش از اذن، حتی حق نگاه کردن به درون خانه را ندارد (طبرسی، ۱۳۹۹: ۱۵۷؛ ثقفی تهرانی، ۱۳۹۸: ۲۰-۲۱؛ قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۶: ۱۶۹).

برخی مفسران نیز گفته‌اند ممکن است اهل خانه در شرایطی باشند که نخواهند دیگری آن را ببیند؛ مثلاً پوشش مناسبی نداشته باشند. در این صورت، اجازه گرفتن کمک می‌کند تا آنان فرصت پوشاندن خود را یافته و ایمان فرد بی‌اجازه‌کننده در معرض خطر قرار نگیرد (طباطبایی، ۱۳۹۶: ۱۵۱).

تأکید قرآن بر «استیناس» هنگام ورود به خانه‌ها، نشان‌دهنده اهتمام اسلام به صیانت از حریم خصوصی است. افزون بر این، رعایت این دستورها کارکرد اجتماعی نیز دارد و موجب حفظ و حتی استحکام روابط میان اقشار جامعه می‌شود. با توجه به اطلاق آیات و فلسفه نزول آن‌ها، دلیلی بر محدود ساختن این حکم به فضای حقیقی وجود ندارد و می‌توان مفاد آن را در رسیدگی به جرایم منافی عفت در فضای مجازی نیز جاری دانست.

در ارتباط با ممنوعیت تجسس در امور پنهانی، احادیث متعددی از پیامبر اکرم (ص) نقل شده

۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْنِسُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» «فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّى يُؤْذَنَ لَكُمْ وَإِنْ قِيلَ لَكُمْ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا هُوَ أَزْكَى لَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ»

است. آن حضرت می‌فرمایند: «بدترین مردم، بدگمانان و فاسدترین بدگمانان، تجسس‌کنندگان‌اند؛ و پست‌ترین تجسس‌کنندگان، پرگوترین آن‌ها؛ و بدترین پرگویان، هتاک‌ترین آنان است» (نوری، ۱۴۰۸ق: ۱۴۷).

در کنار نهی از تجسس، پیامبر(ص) بر لزوم حفظ آبروی مؤمن نیز تأکید کرده و می‌فرمایند: «حرمت حیثیت و آبروی مؤمن همانند حرمت جان و مال اوست» (تویسرکانی، ۱۴۱۵ق: ۲۲۶). ایشان در حدیث دیگری به صراحت هتک حیثیت اشخاص را مطلقاً حرام دانسته و آن را هم‌سنگ حرمت جان انسان قرار داده‌اند: «ای مردم! ریختن خون یکدیگر و لطمه زدن به حیثیت دیگران تا هنگام مرگ و لقای پروردگارتان بر شما حرام است» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق: ۳۰). ائمه اطهار(ع) نیز بر لزوم حفظ حیثیت و آبروی دیگران - که از لوازم مسلم پرهیز از دخالت در امور پنهانی و شخصی افراد است - احادیث فراوانی بیان کرده‌اند.

حضرت علی(ع) شخص بدگمان و بدبین به امور دیگران را با تعبیری همچون «هراسان از همه»، «همیشه بیمار» و «بی‌ایمان» توصیف کرده‌اند^۱ (آمدی، ۱۴۱۰ق: ۱۴۶ و ۲۲۷). همچنین در خصوص حرمت تجسس می‌فرمایند: «قدر و منزلت خود را با تغافل در امور کوچک بالا ببرید و از اموری که پوشیده و پنهان است، تجسس نکنید» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق: ۲۲۴). امام رضا(ع) نیز از امام زین‌العابدین(ع) روایت کرده‌اند که: «کسی که از آبروریزی و لطمه زدن به حیثیت مسلمانان خودداری کند، خداوند در روز قیامت از لغزش‌های او درگذرد»^۲ (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۲۵۶؛ نجفی، ۱۴۰۶ق: ۸۵).

امام صادق(ع) نیز در بیان ارزش و جایگاه آبروی انسان مؤمن فرموده‌اند: «مؤمن سراسر وجودش حرمت است: حرمت آبرو، حرمت مال و حرمت خون و جان او»^۳ (طبرسی، ۱۴۰۸ق: ۲۳۹). با توجه به احادیث نقل‌شده از پیامبر اکرم(ص) و ائمه معصومین(ع)، حرمت دخالت در امور شخصی افراد اطلاق دارد و به قیود یا شرایط خاص جغرافیایی یا شخصیتی محدود نشده است. از این رو، با وجود امکانات و ابزارهای ویژه در فضای مجازی - که تهدید مضاعفی برای نقض حریم خصوصی اشخاص به همراه دارد - اصل عدم تجسس از منظر سنت نیز در رسیدگی به جرایم منافی عفت در فضای مجازی جاری خواهد بود. در فرآیند رسیدگی به این دسته از جرایم، ممکن است سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی افراد

۱. «مَنْ لَمْ يُحَسِّنْ ظَنَّهُ اسْتَوْحَشَ مِنْ كُلِّ أَحَدٍ!»، «الرُّبُوبُ أَبْدَا عَلِيلٌ!»، «لَا دِينَ لِمُسِيءِ الظَّنِّ!».

۲. «مَنْ كَفَّ عَنْ أَعْرَاضِ الْمُسْلِمِينَ أَقَالَهُ اللَّهُ عَثْرَتَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ».

۳. «الْمُؤْمِنُ حَرَامٌ كُلُّهُ: عَرَضُهُ وَ مَالُهُ وَ دَمُهُ».

به منظور کشف داده‌های مرتبط با جرم تفتیش یا توقیف شوند. در این میان، احتمال افشای محتویات شخصی افراد که ارتباطی با جرم ارتكابی ندارند وجود دارد و این امر می‌تواند موجب هتک حیثیت و حرمت شخصی و اجتماعی آنان شود. بنابراین، مقامات قضایی در مقام نظارت و ضابطان دادگستری در مقام اجرای دستورات قضایی، موظف‌اند صیانت از حریم خصوصی اشخاص را مبنای عمل خود قرار دهند.

۲-۳. اصل بزه‌پوشی

سومین اصل مرتبط با رسیدگی به جرایم منافی عفت، اصل بزه‌پوشی است. بر اساس موازین فقهی، در این جرایم اصل بر کتمان و پوشاندن بزه است و آشکارسازی آن‌ها تنها در موارد استثنایی جایز شمرده شده است (خالقی، ۱۳۹۴: ۱۸). اگر اخبار مربوط به منافیات عفت در جامعه گسترش یابد، به تدریج حساسیت عمومی در برابر این رفتارها کاهش یافته و حتی ارتكاب آن عادی جلوه داده می‌شود. این کاهش قبح جرم، پدیده‌ای خطرناک است که می‌تواند به تزلزل احساس امنیت و فروپاشی امنیت اخلاقی جامعه بینجامد (صادقی، ۱۳۷۸: ۱۶۷-۱۶۸).

در سیاست جنایی اسلام نیز، به منظور حفظ آبرو و حیثیت فردی و اجتماعی و جلوگیری از اشاعه فحشا و تجری دیگران به ارتكاب رفتارهای منافی عفت، بر اصل بزه‌پوشی تأکید شده است. مبنای این اصل را می‌توان در منابع معتبر فقهی، همچون آیات و روایات، مشاهده کرد. بازتاب این اصل در قوانین ایران به‌ویژه در ماده ۳۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری (اصلاحی ۱۳۹۴/۰۳/۲۴) مشهود است که مقرر می‌دارد: «به جرائم منافی عفت به‌طور مستقیم، در دادگاه صالح رسیدگی می‌شود».

این ماده بیانگر آن است که برای این دسته از جرایم، روندی خاص و سریع پیش‌بینی شده تا از آثار منفی آن‌ها بر قربانیان جلوگیری شود و عدالت به شکلی مناسب و ویژه اجرا گردد. در کنار این حکم، ماده ۱۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ که بر محدودیت‌های تحقیق در جرایم منافی عفت تأکید دارد، هماهنگ با ماده ۳۰۶ عمل کرده و در مجموع به صیانت از حقوق فردی و تضمین عدالت در برابر این جرایم کمک می‌کند.

در قرآن کریم آیات متعددی بر لزوم ستر گناهان - چه از سوی خود افراد و چه از جانب دیگران - دلالت دارند. از جمله در آیه ۸ سوره تحریم^۱، خداوند متعال به رحمت خود در

۱. آیه ۸ سوره تحریم: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يُكَفِّرَ عَنْكُم سَيِّئَاتِكُمْ وَ يُدْخِلَكُم جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ نُورُهُمْ يَسْعَىٰ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ بَأْيَمَانِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَتِمِّمْ لَنَا نُورَنَا وَ اغْفِرْ لَنَا إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»

پذیرش توبه بندگان اشاره کرده و تأکید می‌نماید که گناهکاران باید توبه خالصانه خویش را تنها در پیشگاه الهی مطرح کنند، نه اینکه گناهان خود را نزد دیگران بازگو یا افشا نمایند (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱۰: ۱۳۳؛ ثقفی تهرانی، ۱۳۹۸، ج ۵: ۲۳۴-۲۳۵). این آیه بیانگر آن است که افشای علنی گناه، نه تنها موجب سقوط شأن فردی است، بلکه زمینه‌ساز اشاعه فساد در جامعه نیز خواهد بود.

همچنین آیه ۵۴ سوره انعام^۱ به‌طور ضمنی بر لزوم بزه‌پوشی و منع از علنی‌سازی زشتی‌های دیگران تأکید دارد. درباره شأن نزول این آیه آمده است که گروهی نزد پیامبر اکرم (ص) آمدند و اعتراف کردند گناهان بسیاری مرتکب شده‌اند و در این باره کسب تکلیف نمودند. پیامبر گرامی اسلام (ص) در پاسخ سکوت اختیار کردند تا اینکه این آیه نازل شد (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۲: ۴۷۰؛ محقق، ۱۳۸۴: ۳۳۷).

در این آیه خداوند متعال دستور می‌دهد که: «هرگاه کسانی که به آیات ما ایمان آورده‌اند به سراغ تو آیند، بگو: سلام بر شما، پروردگارتان رحمت را بر خویش مقرر داشته است.» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰: ۱۸۲)

این آیه بیانگر یک قاعده کلی است مبنی بر آنکه مؤمنان - هرچند مرتکب گناه شده باشند - نباید طرد گردند، بلکه با تکریم و رحمت مورد پذیرش قرار گیرند. به این ترتیب، قرآن کریم صراحتاً بر ضرورت پرهیز از افشای علنی گناه و تأکید بر پوشاندن آن در سطح اجتماعی به‌منظور حفظ آبروی افراد و صیانت از سلامت اخلاقی جامعه تأکید می‌کند.

با توجه به مفاد آیات و تفاسیر مذکور، نه تنها دیگران، بلکه خود فرد مرتکب نیز حق افشای عمل منافی عفت خویش را در میان مردم ندارد؛ چه رسد به دیگران که با تجسس در گناهان شخصی افراد، آن‌ها را در معرض عموم آشکار سازند. بر این اساس، اصل بزه‌پوشی نه تنها به دیگران توصیه می‌کند که عیوب و لغزش‌های افراد را افشا نکنند، بلکه فرد خاطی نیز موظف است از بازگویی و ترویج گناه خود در اجتماع اجتناب ورزد. به نظر می‌رسد با توجه به اطلاق ظاهری الفاظ و عمومیت نهی الهی از افشای زشتی‌ها - به‌ویژه گناهان پنهانی افراد - این حکم اختصاصی به فضای حقیقی ندارد، بلکه در فضای مجازی نیز صادق است. بنابراین، مرتکبین جرایم منافی عفت و نیز افرادی که از چنین جرایمی آگاه می‌شوند، ملزم به ستر و بزه‌پوشی بوده و از افشای آن در محیط‌های آنلاین نیز باید خودداری نمایند.

۱. «وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ أَنَّهُ مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ سُوءًا بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَصْلَحَ فَأَنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ»

در کنار آیات قرآن، احادیث متعددی نیز درباره لزوم بزه پوشی و پرهیز از افشای گناهان دیگران از سوی پیامبر اکرم (ص) نقل شده است. ایشان در روایتی، کسانی را که در صدد کشف اسرار یا لغزش های مردم برمی آیند، عامل کشیده شدن آنان به فساد یا نزدیک شدن به آن دانسته اند (بیهقی، ۱۳۴۴ق: ۳۳۳).

همچنین حضرت در حدیثی دیگر، بر اهمیت ستر و کتمان گناهان مسلمانان تأکید کرده و می فرماید: «هر کس عمل بدی را از برادر مسلمانش ببیند و آن را پنهان دارد، خداوند نیز عیب های او را در دنیا و آخرت پوشیده خواهد داشت»^۱ (قضاعی، ۱۳۶۱: ۱۹۵؛ متقی هندی، ۱۴۱۹ق: ۵۵۴؛ طبرسی، ۱۴۱۸ق: ۱۰۷).

در روایت دیگری، پیامبر اکرم (ص) پاداش ستر گناه و دفاع از آبروی مؤمن را بسیار عظیم توصیف کرده و می فرماید: «کسی که از حیثیت و آبروی برادر دینی خود دفاع کند، خداوند برای او هفتاد هزار سپر از آتش جهنم قرار خواهد داد» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۲۵۳).

اثمه اظهار (ع) نیز روایات متعددی درباره لزوم ستر گناهان و پرهیز از افشای خطاهای دیگران بیان کرده اند. امام صادق (ع) در خصوص اهمیت بزه پوشی می فرماید: «هر کس از گناه و عیب برادر مؤمن خود آگاه شود و آن را آشکار سازد و مستور ندارد و برای او طلب آمرزش نکند، نزد خداوند همانند انجام دهنده همان گناه خواهد بود و به نتایج آن دچار می شود. در حالی که خداوند گناه آن مؤمن را می بخشد و مجازات او تنها آشکار شدن گناه در دنیا خواهد بود و گناهش در آخرت پنهان می ماند» (طبرسی، ۱۴۰۸ق: ۱۳۴؛ شیخ مفید، ۱۴۱۳ق: ۳۲).

امام رضا (ع) نیز به نقل از جدش پیامبر اکرم (ص) فرموده اند: «نهان داشتن حسنه برابر با هفتاد حسنه است، و فاش کننده گناه خوار و سرشکسته خواهد شد، در حالی که پنهان کننده آن آمرزیده می شود» (کلینی، ۱۴۰۴ق: ۴۲۷).

در سیره عملی معصومان (ع) نیز توصیه به بزه پوشی مشهود است. چنان که از امام علی (ع) نقل شده است که شخصی نزد ایشان آمد و اعتراف کرد که مرتکب زنا شده و خواستار اجرای حد بر خود شد. حضرت در واکنش فرمودند: «چرا کسانی که مرتکب چنین گناهایی می شوند، ناتوان از پوشاندن آن هستند؛ همان گونه که خداوند آن را پوشانده است؟» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق: ۳۸).

با دقت در احادیث یاد شده می توان گفت که اصل بزه پوشی یکی از عناصر مهم در دین مبین

۱. «مَنْ سَتَرَ آخَاهُ فِي فَاخِشِهِ رَأَاهُ عَلَيْهِ سِتْرُهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ».

۲. «مَنْ رَدَّ عَنْ عَرَضِ أَخِيهِ كَانَ لَهُ سَبْعُونَ أَلْفَ حِجَابٍ مِنَ النَّارِ».

اسلام در کنترل و رسیدگی به جرایم حق‌اللهی محض یا جرایمی است که جنبه حق‌اللهی آن‌ها بر جنبه حق‌الناسی غلبه دارد. این اصل در دو بعد فردی و اجتماعی اعمال می‌شود: از یک‌سو، فرد مرتکب توصیه شده است که گناه خود را نزد دیگران افشا نکند و از سوی دیگر، جامعه و اطرافیان نیز موظف‌اند از افشای لغزش‌های دیگران خودداری کرده و مانع اشاعه فحشاء شوند (نوبهار، ۱۳۸۹: ۱۵۰).

با توجه به عمومیت این احادیث درباره حرمت آشکارسازی منافیات عفت و نیز اصل پویایی فقه که قابلیت انطباق با شرایط گوناگون زمان و مکان را دارد، می‌توان حکم بزه‌پوشی را به فضای مجازی نیز تسری داد. این نکته به‌ویژه از آن جهت اهمیت دارد که امروزه بخش عمده‌ای از روابط نامشروع و اعمال منافی عفت در بستر فضای مجازی تحقق می‌یابند و دیگر نیازمند محیط فیزیکی برای ارتکاب نیستند. از این‌رو، رعایت اصل بزه‌پوشی در این فضا نه تنها ضرورتی شرعی بلکه یک الزام اجتماعی برای پیشگیری از گسترش فساد و صیانت از سلامت اخلاقی جامعه است.

۲-۴. اصل ممنوعیت اشاعه فحشاء

اصل دیگری که در متون فقهی در ارتباط با جرایم منافی عفت مورد تأکید قرار گرفته است، ممنوعیت اشاعه فساد و فحشاء ناشی از این‌گونه جرایم است. در احکام اسلامی مواردی وجود دارد که به دلیل ماهیت خصوصی آن‌ها، اساساً نباید برای دیگران بازگو شوند؛ چراکه کتمان آن‌ها ارجح بر افشاست (جلالی و اسماعیلی، ۱۳۹۱: ۷۸؛ خالقی، ۱۳۹۴: ۱۸۱).

در فقه شیعه، اشاعه فحشاء به‌شدت مورد نکوهش قرار گرفته و اطلاق این مفهوم شامل هرگونه نشر یا گسترش زشتی‌ها و اعمال غیراخلاقی است. اشاعه فحشاء می‌تواند به شکل مستقیم، یعنی از طریق بازگو کردن آشکار یک عمل منافی عفت در جامعه، یا به صورت غیرمستقیم رخ دهد؛ بدین معنا که چندین نفر واسطه شوند و عمل ناپسند فردی را بازگو کرده و به این ترتیب موجبات انتشار فحشاء را فراهم آورند.

بدین ترتیب، اصل ممنوعیت اشاعه فحشاء نه‌تنها در بعد اجتماعی برای صیانت از سلامت اخلاقی جامعه حائز اهمیت است، بلکه در منابع معتبر فقهی نیز با استناد به آیات و روایات متعدد مورد تأکید قرار گرفته است.

یکی از مهم‌ترین مستندات قرآنی در حرمت اشاعه فحشاء، آیه ۱۹ سوره نور است.^۱ در این آیه، خداوند متعال هرگونه نشر و گسترش فحشاء یا معاونت در اشاعه زشتی‌ها و اعمال منافی عفت

۱. «إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»

را به شدت نکوهش کرده است. در پایان آیه نیز خداوند خود را تنها آگاه حقیقی به پیامدها و نتایج شوم چنین رفتارهایی معرفی می‌کند؛ چراکه او از نیات انسان‌ها باخبر است و می‌داند چه کسانی در دل میل و گرایش به ارتکاب این عمل قبیح را می‌پروراند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰: ۴۰۳ و ۴۰۴؛ ثقفی تهرانی، ۱۳۹۸: ج ۴، ص ۱۶).

همچنین در آیه ۲۵ سوره رعد^۱، اشاعه فحشاء و فساد اجتماعی در زمره اعمالی دانسته شده که موجب لعن و نفرین الهی می‌شود. با تأمل در این آیه می‌توان سه نکته اساسی را برداشت کرد: نخست، وجوب وفای به عهد با خداوند و نکوهش نقض میثاق الهی؛ دوم، ضرورت برقراری صلح و استمرار ارتباط با خداوند و اولیای الهی؛ و سوم، حرمت افساد در زمین و ترویج فحشاء در عرصه‌های مختلف اجتماعی (شهابی، ۱۴۱۷ق: ۲۶۲).

افزون بر این، آیات دیگری از قرآن کریم نیز به طور غیرمستقیم بر حرمت اشاعه فحشاء دلالت دارند، از جمله آیه ۳۷ سوره شوری^۲، آیه ۱۳۵ سوره آل عمران^۳ و آیه ۴۱ سوره روم^۴ که همگی بر لزوم اجتناب از زشتی‌ها و پرهیز از فساد اجتماعی تأکید دارند.

با توجه به آیات فوق، روشن است که خداوند متعال اشاعه فحشاء را به هر وسیله و در هر محیطی به‌طور مطلق تحریم کرده است. از این رو، هرگونه واکاوی در امور پنهانی افراد یا افشای گناهانی که در خلوت انجام گرفته و فاقد بزه‌دیده خصوصی یا وقوع علنی هستند، نه تنها به هتک آبرو و حیثیت فردی و اجتماعی شخص می‌انجامد، بلکه موجب اشاعه قباح و عادی‌سازی آن عمل در جامعه نیز خواهد شد.

در فرآیند رسیدگی به جرایم منافی عفت - چه جرایم حدی مانند قوادی و چه جرایم تعزیری همچون روابط نامشروع در فضای مجازی - هرگونه دخالت شتاب‌زده یا اقدام غیرمجاز از سوی مقامات قضایی یا ضابطان می‌تواند پیامدهای سنگینی داشته باشد. ویژگی‌هایی مانند فراوانی مخاطبان در فضای مجازی و سرعت انتشار محتوا باعث می‌شود که آثار منفی فردی و اجتماعی این اقدامات در مقایسه با فضای حقیقی به مراتب گسترده‌تر باشد. در نتیجه، چنین رویکردی می‌تواند ناخواسته موجب هتک حیثیت افراد و به خطر افتادن جایگاه اجتماعی آنان گردد.

۱. «وَالَّذِينَ يَتَّقُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ»

۲. «وَالَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كِبَارَ الْأَثَمِ وَالْفَوَاحِشِ وَإِذَا مَا غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ»

۳. «وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرِ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ وَلَمْ يُصِرُّوا عَلَى مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ»

۴. «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ»

در منابع روایی نیز احادیث متعددی بر حرمت اشاعه فحشاء و ضرورت پرهیز از بازگو کردن لغزش‌های دیگران تأکید دارند. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «کسی که کار زشتی را نشر دهد، همانند کسی است که ابتدا آن را انجام داده است.^۱» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰: ج ۱۴: ۴۰۶؛ برقی، ۱۳۷۱: ۱۰۳). این روایت نشان می‌دهد که صرف اشاعه یک عمل منافی عفت، حتی بدون ارتکاب مستقیم آن، به منزله مشارکت در همان گناه تلقی می‌شود.

در روایت دیگری، آن حضرت در خصوص حفظ عفت عمومی و خطر هتک حیثیت افراد در جرایم منافی عفت می‌فرماید: «از زن بدکاره نپرسید چه کسی با تو فسق کرده است؛ زیرا همان‌گونه که به راحتی مرتکب فحشا می‌شود، به همان آسانی نیز ممکن است مسلمانی بی‌گناه را بدنام کند.^۲» (طوسی، ۱۴۰۷: ۱۷۷؛ ابوحنیف، ۱۳۸۶: ۴۶۷؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ۳۶۷).

اثمه اطهار (ع) نیز در مذمت بازگویی گناهان دیگران روایات روشنی دارند. امام صادق (ع) فرموده‌اند: «کسی که آنچه را درباره مؤمنی می‌بیند یا می‌شنود بازگو کند، مشمول این آیه است: «... و خداوند به کارهایشان آگاه است» (یوسف: ۱۹).» (کلینی، ۱۴۰۴: ج ۲: ۳۵۷). همچنین در پاسخ به پرسشی از محمد بن فضیل، امام موسی کاظم (ع) توصیه فرمودند که اگر اخبار ناخوشایندی از برادر مؤمن خود شنید، آن را تکذیب کند و چیزی علیه او منتشر نسازد؛ چراکه در غیر این صورت در زمره کسانی قرار می‌گیرد که می‌خواهند میان مردم اشاعه فحشاء کنند (کلینی، ۱۴۰۴: ۱۴۷؛ حرعاملی، ۱۴۰۹: ۲۹۵).

با توجه به احادیث و روایات یادشده، به روشنی تأکید شده است که انتشار فحشاء به هر نحو ممنوع است. بنابراین، هر فردی — اگر بدون سوءنیت — به واکاوی در امور پنهانی دیگران به‌ویژه در حوزه منافات عفت بپردازد، در عمل موجب افشای گناه آنان شده و این امر می‌تواند به حیثیت فردی لطمه زده، جایگاه اجتماعی شخص را متزلزل ساخته و امنیت اخلاقی جامعه را نیز دچار آسیب کند.

معضلات ناشی از بی‌توجهی به اصل ممنوعیت اشاعه فحشاء، محدود به فضای حقیقی نیست. در فضای مجازی، به دلیل ویژگی‌هایی همچون سرعت انتشار، گستردگی مخاطبان و ماندگاری محتوا، این آسیب‌ها به مراتب شدیدتر و فراگیرتر از دنیای واقعی است. از این رو، لازم است در فرآیند رسیدگی قضایی به جرایم منافی عفت، این اصل با حساسیتی مضاعف مورد توجه قرار

۱. «مَنْ أَدَاعَ فَاحِشَةً كَانَ كَمُبْتَدِئِهَا»

۲. «لَا تَسْأَلُوا الْفَاحِشَةَ: مَنْ فَجَرَ بِكَ؟ فَكَمَا هَانَ عَلَيْهَا الْفُجُورُ، يَهُونُ عَلَيْهَا أَنْ تَرْمِيَ الْبَرِيءَ الْمُسْلِمَ»

گیرد و تمامی مراحل دادرسی به گونه‌ای انجام شود که از بازتولید یا گسترش آثار منفی این جرایم جلوگیری شود.

۳. استثنائات اصول فقهی در رسیدگی

مبانی پیش‌گفته درباره رسیدگی به جرایم منافی عفت، اصول اولیه و حاکم هستند و در موارد تردید نیز باید به آن‌ها پایبند بود. با این حال، در برخی شرایط خاص، مصالحی بالاتر و اساسی‌تر وجود دارد که تحقیق و تجسس در جرایم منافی عفت را برای مقامات ذی صلاح جایز می‌سازد. نخستین مورد آن است که ارتکاب عمل منافی عفت صرفاً جنبه حق‌اللهی نداشته، بلکه به حقوق فردی دیگران لطمه وارد کند و به تعبیر دیگر، حق‌الناسی را خدشه‌دار نماید. در چنین مواردی، لازم است با انجام تحقیقات لازم و برگزاری دادرسی عادلانه، حق تضییع شده بزه‌دیده جبران شود (آقای، ۱۳۹۹: ۳۴).

دومین مورد زمانی است که ارتکاب جرایم منافی عفت، علاوه بر تضییع حقوق الهی، به نظم اجتماعی و امنیت اخلاقی جامعه نیز آسیب برساند. به‌ویژه اگر این اعمال موجب اشاعه فساد و فحشاء، از بین رفتن حیا و عفت عمومی یا تجری دیگران به ارتکاب جرایم مشابه شوند، تحقیق و پیگیری آن‌ها ضرورت پیدا می‌کند. در این موارد، حاکمان و نهادهای تقنینی حکومت اسلامی مکلف‌اند برای صیانت از حقوق شهروندان و حفظ امنیت روانی و اخلاقی جامعه اقدام نمایند (نوبهار، ۱۳۸۹: ۱۷۴).

در قوانین کیفری ایران نیز اصل اولیه بر حفظ عفت عمومی در جرایم منافی عفت و پرهیز از کشف بی‌مورد دلایل در این حوزه است؛ چنان‌که در صدر ماده ۲۴۱ قانون مجازات اسلامی به صراحت بر این موضوع تأکید شده است.^۱ با این حال، قانون‌گذار در مواردی استثنا قائل شده و امکان تحقیق و تعقیب را فراهم آورده است. مهم‌ترین مقرر در این زمینه، ماده ۱۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ است که اصل اولیه را ممنوعیت هرگونه تحقیق یا تعقیب در جرایم منافی عفت دانسته و تنها در چهار حالت آن را مجاز می‌شمارد:

وقوع جرم در مرئی و منظر عموم: یعنی زمانی که جرم در مکانی واقع شود که امکان رفت‌وآمد عموم مردم وجود داشته باشد، نه صرفاً در برابر ضابطان یا مقام قضایی (عابدی، ۱۳۹۹: ۴۲؛ آقای، ۱۳۹۹: ۴۱).

وجود بزه‌دیده یا شاکی خصوصی: در این حالت، فردی که مستقیماً از جرم لطمه دیده است

۱. «در صورت نبود ادله اثبات قانونی بر وقوع جرایم منافی عفت و انکار متهم هرگونه تحقیق و بازجویی جهت کشف امور پنهان و مستور از انظار ممنوع است...»

می‌تواند شکایت کند و قانون‌گذار نیز در این موارد قصد حمایت از او را دارد (خالقی، ۱۳۹۹: ۱۷۳). ارتکاب جرم به عنف: مقصود از «به عنف» در معنای فقهی و عرفی، اکراه و اجبار بزه‌دیده است. این حکم در تبصره ماده ۲۱۸ قانون مجازات اسلامی نیز تکرار شده و بر جواز تحقیق در جرایم منافی عفت به عنف یا در حکم عنف تأکید دارد (آقایی، ۱۳۹۹: ۵۲؛ نظریه مشورتی شماره ۷/۲۹۵۳ و ۷/۴۰۲ اداره کل حقوقی قوه قضائیه).

سازمان یافتگی جرم^۱: در این حالت، به دلیل تهدید گسترده علیه منافع عمومی و لزوم صیانت از امنیت روانی و اخلاقی جامعه، قانون‌گذار تحقیق و تعقیب را ضروری دانسته است. بدین ترتیب، ماده ۱۰۲ ق.آ.د.ک در کنار اصل بزه‌پوشی و منع تجسس، با تعیین استثنائات چهارگانه، تعادلی میان صیانت از حریم خصوصی اشخاص و حفظ امنیت و نظم عمومی برقرار کرده است.

در خصوص جرایم منافی عفت در فضای مجازی نیز اصل اولیه همان حفظ عفت عمومی و بزه‌پوشی است. با این حال، استثنائات پیش‌بینی شده در منابع فقهی و مقررات قانونی (از جمله ماده ۱۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری) در این حوزه نیز قابلیت اجرا دارند و محدودیتی برای تسری آن‌ها به بستر دیجیتال وجود ندارد. به عنوان نمونه، اگر قابلیت تحقق روابط نامشروع غیرفیزیکی در فضای مجازی مورد پذیرش قرار گیرد، در مواردی مانند رابطه دختر با فردی دیگر از طریق تبادل پیام‌ها و ارسال محتویات غیراخلاقی، پدر او می‌تواند به استناد قاعده «أنتَ و مالکُ لَأَبِیکَ» در فقه، بزه‌دیده محسوب شود. در نتیجه، چنین رفتاری مشمول استثنای «وجود شاکی خصوصی»^۲ قرار گرفته و قابلیت پیگیری قضایی خواهد داشت. همچنین اگر زن یا مرد متأهل در فضای مجازی با فرد دیگری ارتباط برقرار کند، همسر او از حیث نقض حقوق زناشویی و لطمه به حیثیت خانوادگی، در جایگاه شاکی خصوصی قرار می‌گیرد. در این صورت، با شکایت وی می‌توان تحقیقات قضایی را در خصوص جرم منافی عفت آغاز کرد (عابدی، ۱۳۹۹: ۴۲).

تشویق به فساد و فحشا^۳ در فضای مجازی، یکی از مشکلات جدی و رو به گسترش در جوامع معاصر است. این پدیده ناشی از عواملی همچون دسترسی آسان به پلتفرم‌های دیجیتال، ناشناسی کاربران، ضعف یا کمبود نظارت بر محتوای آنلاین، و تبلیغ شیوه‌های غیرقانونی کسب درآمد در این

۱. «در جرایم مجاریه و افساد فی الارض و جرایم منافی عفت با عنف، اکراه، ربایش یا اغفال، صرف ادعاء، مسقط

حد نیست و دادگاه موظف به بررسی و تحقیق است.»

2. Private plaintiff

3. Encouraging corruption and prostitution

بستر می‌باشد. چنین رفتاری نه تنها می‌تواند آثار اجتماعی و روانی گسترده‌ای برای افراد، به‌ویژه جوانان و نوجوانان، به همراه داشته باشد، بلکه تهدیدی برای هویت فرهنگی و امنیت اخلاقی جامعه نیز محسوب می‌شود. از این رو، تشویق یا تسهیل در گسترش فحشاء در فضای مجازی، با فلسفه وجودی اصل «بزه‌پوشی» و «حفظ عفت عمومی» در تعارض قرار می‌گیرد و به همین دلیل در فقه و حقوق کیفری، به‌عنوان یکی از استثنائات مهم بر اصل عدم تحقیق و بزه‌پوشی مطرح می‌شود. به عبارت دیگر، هر جا که رفتارهای منافی عفت از حالت فردی و پنهانی خارج شده و ماهیت ترویجی و تبلیغی پیدا می‌کنند، مصلحت اجتماعی و ضرورت صیانت از اخلاق عمومی اقتضا دارد که مقامات قضایی مجاز به ورود، تحقیق و پیگیری قضایی باشند. از این رو، «تشویق به فساد و فحشاء» در فضای مجازی به‌عنوان دومین استثناء بر اصل مذکور قابل شناسایی است.

سومین استثناء بر اصل بزه‌پوشی و منع تجسس در جرایم منافی عفت، به وضعیت «سازمان‌یافته بودن»^۱ این دسته از جرایم اختصاص دارد. سازمان‌یافتگی در فضای مجازی، موجب می‌شود که رفتارهای مجرمانه نه صرفاً در سطح فردی، بلکه در قالب شبکه‌ها و گروه‌های منسجم با اهداف تجاری، سودجویانه یا تخریبی به‌وقوع بپیوندند.

ویژگی‌های بارز جرایم منافی عفت سازمان‌یافته در فضای مجازی عبارتند از:

- استفاده گسترده از شبکه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های آنلاین برای جذب و جلب مخاطبان و گسترش فعالیت‌های غیرقانونی؛
 - تسهیل و تبلیغ فحشاء و فساد آنلاین از طریق راه‌اندازی وب‌سایت‌ها، صفحات مجازی، گروه‌های چت و تبلیغات اینترنتی؛
 - به‌کارگیری فناوری‌های پیشرفته برای پنهان‌سازی هویت و تراکنش‌ها، از جمله استفاده از VPN، ابزارهای رمزنگاری و رمزارزها؛
 - قاچاق انسان و استثمار جنسی آنلاین با بهره‌گیری از فریب، تهدید و اجبار، به‌ویژه علیه زنان و کودکان؛
- ایجاد و گسترش بازارهای غیرقانونی دیجیتال برای خرید و فروش محتوای غیراخلاقی یا ارائه خدمات فحشاء.

چنین ویژگی‌هایی نشان‌دهنده سطح بالای هماهنگی، پیچیدگی و تهدیدات جدی این جرایم برای امنیت اخلاقی و روانی جامعه است. به همین دلیل، در فقه و حقوق کیفری، سازمان‌یافتگی جرایم منافی عفت به‌عنوان یکی از مهم‌ترین استثنائات بر اصل منع تحقیق شناخته می‌شود و مراجع قضایی را مجاز می‌سازد که با قاطعیت و بدون التزام به بزه‌پوشی در این موارد وارد عمل شوند.

نتیجه‌گیری

فضای مجازی به‌عنوان بستر نوین ارتباطی، علاوه بر مزایای گسترده در حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، با تهدیدات جدی نیز همراه است. یکی از مهم‌ترین این تهدیدات، گسترش جرایم منافی‌عفت و آسیب‌های اخلاقی است که می‌تواند امنیت اجتماعی و سلامت روانی جامعه را به‌طور جدی متزلزل سازد. ناشناس‌بودن کاربران، سهولت انتشار محتوا و دشواری شناسایی مجرمان، مقابله با این دسته از جرایم را پیچیده کرده و ضرورت بازنگری در سیاست‌های کیفری و انطباق آن‌ها با شرایط فضای مجازی را دوچندان می‌سازد.

پژوهش حاضر نشان داد که اصول فقهی همچون حفظ عفت عمومی، ممنوعیت تجسس، بزه‌پوشی و ممنوعیت اشاعه فحشاء از مهم‌ترین مبانی شرعی و اخلاقی در رسیدگی به جرایم منافی‌عفت محسوب می‌شوند. این اصول ضمن ایجاد چارچوبی حقوقی و اخلاقی برای مقابله با فساد در فضای مجازی، مانع از بروز آثار منفی گسترده‌تری چون عادی‌سازی گناه، هتک حیثیت افراد و متزلزل‌شدن امنیت اخلاقی جامعه می‌گردند. البته این اصول در موارد خاص، نظیر وجود شاکی خصوصی، به‌عنف بودن جرم یا سازمان‌یافتگی آن، با استثنائاتی مواجه می‌شوند که مبنای قانونی آن‌ها در موادی همچون ۱۰۲ و ۳۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری مورد اشاره قرار گرفته است؛ هرچند این مقررات هنوز به بلوغ و تکامل لازم دست نیافته‌اند.

بنابراین، برای مقابله کارآمد با جرایم منافی‌عفت در فضای مجازی، لازم است سیاست‌گذاران و مراجع قضایی ضمن بهره‌گیری از ظرفیت اصول فقهی و هماهنگ‌سازی آن با قوانین روز، رویکردی جامع و چندبعدی اتخاذ کنند. این رویکرد می‌تواند شامل موارد زیر باشد:

- تدوین قوانین شفاف و جامع ویژه جرایم فضای مجازی؛
- تقویت سازوکارهای نظارتی و رصد هوشمندانه؛
- توجه به مبانی فقهی در فرآیند دادرسی و تصمیم‌گیری قضایی؛
- حمایت قانونی و روانی از بزه‌دیدگان این جرایم؛
- آموزش و آگاه‌سازی عمومی در خصوص مخاطرات فضای مجازی؛
- توسعه همکاری‌های بین‌المللی در زمینه مبارزه با جرایم اخلاقی آنلاین.

در نهایت، رعایت و به‌کارگیری اصول فقهی در کنار اصلاح قوانین و تقویت زیرساخت‌های قضایی و آموزشی، می‌تواند مسیر رسیدگی به جرایم منافی‌عفت در بستر فضای مجازی را هموارتر ساخته و به برقراری تعادل میان حقوق فردی و امنیت اخلاقی جامعه منجر گردد.

منابع

- قرآن کریم.
- آقای، مهدی (۱۳۹۹). رسیدگی به جرایم منافی عفت. ایران، تهران: قوه قضائیه.
- آقای نیا، حسین (۱۳۹۶). جرایم علیه اشخاص (شخصیت معنوی). ایران، تهران: میزان.
- آمدی، ابوالفتح (۱۴۱۰ق). غرر الحکم و درر الکلم. ایران، قم: دارالکتب الاسلامی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۶). مفاتیح الحیاه. ایران، قم: اسراء.
- ابن اشعث، محمد بن محمد (۱۴۳۴ق). الجعفریات (الأشعثیات). ایران، تهران: مکتبه نینوی الحدیثه.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق). تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله (تصحیح علی اکبر غفاری). ایران، قم: نشر اسلامی.
- ابوحیون، نعمان بن محمد (۱۳۸۳). دعائم الإسلام و ذکر الحلال و الحرام و القضايا و الأحكام عن اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و علیهم افضل السلام. ایران، قم: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۷۷). مفردات الفاظ القرآن الکریم. لبنان، بیروت: دارالشامیه.
- برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱). تصحیح جلال الدین محدث. ایران، قم: دارالکتب الاسلامیه.
- بیهقی، احمد بن حسین بن علی (۱۳۴۴ق). سنن بیهقی. لبنان، بیروت: دارالمعرفه.
- تویسرکانی، محمدنبی بن احمد (۱۴۱۵ق). لثالی الاخبار. ایران، قم: مکتبه العلامه.
- ملک شعار، مرضیه؛ و تدین، عباس (۱۳۹۸). تأثیر فضای مجازی در ارتکاب اعمال منافی عفت. تعالی حقوق، ۵(۴)، ۱۵۰-۱۸۸.
- ثقفی تهرانی، محمد (۱۳۹۸). تفسیر روان جاوید. ایران، قتهران: برهان.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۴). ترمینولوژی حقوق. ایران، تهران: البرز.
- جلالی، عبدالله؛ و اسماعیلی، محسن (۱۳۹۱). نظام هنجاری اطلاع رسانی در فقه شیعه، رسانه، ۲۳(۱۱۸)، ۶۹-۹۴.
- جمعی از نویسندگان (بی تا). نهج البلاغه: متن، ترجمه و شرح نامه ۵۳ (عهدنامه مالک اشتر). ایران، اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه.
- حرعاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعه. ایران، قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام.
- خالقی، علی (۱۳۹۴). آیین دادرسی کیفری. ایران، تهران: شهر دانش.
- خالقی، علی (۱۳۹۹). نکته ها در قانون آیین دادرسی کیفری. ایران، تهران: مؤسسه مطالعات و

پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.

رضایی، محمد (۱۳۸۱). *واژه‌های قرآن*. ایران، تهران: مفید.

سبزواری، سید عبدالعلی (۱۴۱۳ق). *مذهب الاحکام*. ایرانریال قم: نشر دفتر آیت الله سبزواری.

سیدرضی (۱۳۹۱). *نهج البلاغه* (محمد دشتی، مترجم). ایرانریال قم: بکا.

شامیانی، هوشنگ (۱۳۷۷). *حقوق کیفری اختصاصی*. ایران، تهران: ژوبین.

شیخ مفید، محمدبن محمدبن النعمان العکبری البغدادی (۱۴۱۳ق). *المؤتمر العالمی لألفیه الشیخ /المفید*. ایران، قم.

صادقی، محمدهادی (۱۳۷۸). *بزه پوشی. حقوقی دادگستری*، ۶۳ (۲۸-۲۹)، ۱۹۲-۱۶۱.

صلواتی، محمود؛ و شکوری، محمد (۱۳۷۶). *مبانی فقهی حکومت اسلامی*. ایران، قم: کیهان.

طباطبایی، محمدحسین (۱۴۱۷ق). *المیزان* (موسوی همدانی، مترجم). ایران، قم: اسلامی.

طبرسی، ابی علی بن حسن (۱۳۹۹ق). *مجمع البیان*. ایران، قم: منشورات مکتبه آیت الله مرعشی.

طبرسی، علی بن حسن (۱۴۱۸ق). *مشکاه الانوار فی غرر الأخبار* (تحقیق مهدی هوشمند). ایران، قم: دارالحديث.

طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق). *الأمالی*. ایران، قم: دارالثقافه.

طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق). *تهذیب الاحکام*. ایران، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

طیب، سید عبدالحسین اطیب (۱۳۷۸). *البیان فی تفسیر القرآن*. ایران، قم: اسلام.

عابدی، احمدرضا (۱۳۹۹). *آیین دادرسی کیفری*. ایران، قم: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه.

عاملی جبعی، زین الدین بن نورالدین علی بن احمد (۱۴۰۹ق). *منیه المرید فی أدب المفید /المستفید* (تحقیق و تنظیم رضا مختاری). ایران، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.

عمرانی فر، عدنان؛ شیدا بیان، مهدی؛ حاجی ده آبادی، احمد؛ و عالی پور، حسن (۱۴۰۰). *واکاوی*

تغلیظ دیه در ماه‌های حرام و حرم مکه با رویکرد انتقادی، *پژوهشنامه حقوق تطبیقی*، ۲(۸).

۱۸۱-۱۹۷.

عمرانی فر، عدنان؛ و زندی، محمدرضا (۱۳۹۶). *ممنوعیت یا مقبولیت «تخفیف مجازات» در*

جرایم مستوجب حد. قضاوت، ۱۷(۹۰)، ۳۳-۵۰.

فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۴۰۶ق). *الوافی* (تصحیح کمال الدین فقیه ایمانی). ایران،

اصفهان: مکتبه الامام امیرالمومنین علی(ع).

قزائتی، محسن (۱۳۸۳). *تفسیر نور*. ایران، تهران: مرکز فرهنگی درس‌های از قرآن.

قضاعی، محمد بن سلامه (۱۳۶۱). *شرح فارسی شهاب الاخبار* (حمید فرخیان: مترجم). ایران،

تهران: دارالحديث.

قیاسی، جلال‌الدین؛ و خسروشاهی، قدرت‌الله؛ و دهقان، حمید؛ و محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۸۵). مطالعه تطبیقی حقوق جزای عمومی. ایران، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۴ق). اصول الکافی. ایران، تهران: دارالکتاب الاسلامیه.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۳ق). فروع کافی. لبنان، بیروت: دارالاضواء.

گلدوزیان، ایرج (۱۳۹۴). محشی قانون مجازات اسلامی. ایران، تهران: مجد.

گودرزی، فرامرز؛ و کیانی، مهرزاد (۱۳۹۸). پزشکی قانونی. ایران، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی در علوم اسلامی و انسانی - سمت.

مالکی اشتری، ورام بن ابی فراس (بی‌تا). تنبیه الخواطر و نزهة النواظر (علی اصغر حامد: مترجم). ایران، قم: مکتبه الفقیه.

متقی هندی، علاء‌الدین علی بن حسام (۱۴۱۹ق). کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال. لبنان، بیروت: دارالکتب العلمیه.

محقق، محمدباقر (۱۳۶۱). نمونه‌بینات در شان نزول آیات. ایران، تهران: اسلامی.

مردانی، سعید؛ باوی، محمود؛ و موالی‌زاده، سید باسم (۱۴۰۲). جرم‌انگاری جرایم علیه اخلاق و عفت عمومی در فضای سایبری. رسانه، ۳۴(۳)، ۲۵-۵.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الأطهار. ایران، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

محمدی جورکویه، علی (۱۳۸۹). سیاست جنایی اسلام در جرایم جنسی. حقوق اسلامی، ۷(۲۴)، ۱۲۱-۸۷.

مدنی کاشانی، رضا (۱۴۱۰ق). القصاص للفقهاء والخواص. ایران، قم: اسلامی.

مصطفوی تبریزی، حسن (۱۳۸۶). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. ایران، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

ملک‌شعار، مرضیه؛ و تدین، عباس (۱۳۹۸). تأثیر فضای مجازی در ارتکاب اعمال منافی عفت. تعالی حقوق، ۵(۴)، ۱۵۰-۱۸۸.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۱). اخلاق در قرآن. ایران، قم: مدرسه امام علی بن ابی‌طالب (ع).

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۰). تفسیر نمونه. ایران، قم: دارالکتاب الاسلامیه.

موسوی خویی، سید ابوالقاسم (۱۳۹۷). مبانی تکمله المنهاج (علی مددی: مترجم) ایران، قم: حقوق اسلامی.

موسوی گلپایگانی، سید محمد رضا (۱۴۱۲ق). الدر المصود فی احکام الحدود. ایران، قم:

دارالقرآن کریم.

نجفی، محمد مهدی (۱۴۰۶ق). *صحیفه امام رضا علیه السلام*. ایران، مشهد: کنگره جهانی حضرت رضا(ع).

نوبهار، رحیم (۱۳۸۹). *اهداف مجازات‌ها در جرایم جنسی*. ایران، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

